

شبکه های تداعی در مثنوی مولانا



مولانا شاعری است با اطلاعات وسیع از تمام علوم و پیشه های زمانه ی خود و ذهنش سرشار از اصطلاحات و تعابیر مربوط به آن هاست. او ضمن گفتن نکته ای به یاد حکایتی می افتد؛ واژه ای از آن حکایت، آیه ای را به ذهنش می آورد؛ کلمه ای از آن آیه، زمینه ای می شود برای طرح اصطلاحات عرفانی؛ ضمن بیان اصطلاحات صوفیانه، مثلی به ذهنش خطور می کند و آن مثل او را به گفتن حکایتی دیگر وامی دارد، واژه ای از آن حکایت، حدیثی را به ذهنش متبادر می کند و در ابیاتی متوالی به ذکر آن می پردازد و... این، همان است که «تداعی» خوانده می شود و شیوه ی بیان مطالب در مثنوی، بر پایه ی تداعی است و عمده ی تداعی ها، بر اساس آرایه ای (صناعت) است به نام «مراعات نظیر» (آوردن واژه هایی که عضو یک مجموعه اند)؛ یعنی، با بیان واژه ای، سلسله ای از واژه های نظیرش در ذهن مولانا تداعی می شود و آن ها را در ابیات متوالی، به تناسب موضوع می آورد. مجموعه ی این واژه ها، یک «شبکه» را تشکیل

چکیده

مولانا شاعری است با اطلاعات وسیع از تمام علوم و پیشه های روزگار خود، که ذهنش سرشار از اصطلاحات و تعابیر مربوط به آن هاست و با گفتن هر نکته، سلسله ای از واژگان، آیات، احادیث و... متناسب با آن در ذهن سیالش تداعی می شود. این تداعی انواع متعدّد دارد. نگارنده برخی از آن ها را همراه با شواهدی ذکر کرده است.

می دهند.

بسیار دیده می شود که در ضمن پرداختن به یک شبکه، واژه ای دیگر، تداعی کننده ی نظایرش در ذهن سیال مولانا است که به بیان آن ها نیز می پردازد و شبکه هایی تو در تو ایجاد می شود.

در این مقاله، مجموعه ای از «شبکه های تداعی» مثنوی مولوی استخراج و نام گذاری شده است و همراه با نمونه هایی از نظر تان می گذرد.

شبکه های تداعی در مثنوی مولانا به انواع متعدّد ی قابل تقسیم است، از آن جمله:

۱. شبکه های برگرفته از قرآن
۲. شبکه های برگرفته از حدیث و روایت
۳. شبکه های برگرفته از امثال و حکم
۴. شبکه های عرفانی

شبکه های

فلسفی

- شبکه های شغلی
- شبکه های طبیعی
- شبکه های هم خانوادگی
- شبکه های هم جنسی
- شبکه های هم راهی
- شبکه های هم سانی
- شبکه های هم خواهی
- شبکه های هم ستیزی
- شبکه های لفظی
- شبکه های تکرار
- شبکه های داستانی.

در این جا به ذکر پاره ای از شبکه های تداعی و انواع آن ها در مثنوی می پردازیم و برای هر کدام به ذکر یک مثال اکتفا می کنیم.

الف) شبکه های برگرفته از قرآن

مقصود از «شبکه های برگرفته از قرآن» آن دسته از شبکه های تداعی است که یا تداعی کننده ی آیه اند و یا آیه، ایجاد کننده ی آن شبکه است.

«شبکه های قرآنی» را به انواعی می توان تقسیم کرد، از آن جمله:

۱. کلمات شبکه تداعی کننده ی آیه است.
۲. کلمه ی آیه، شبکه ساز است.
۳. شبکه ی داستانی.
۴. شبکه ی تشبیهی.



♦ **سید شهاب‌الدین امامی فر**
(متولد ۱۳۴۷، شهرستان دز قول)
تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی
ربان و ادبیات فارسی در دانشگاه
شهید چمران اهواز به پایان رساند و
در اسفندماه ۱۳۸۱ موفق به اخذ
مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات
فارسی از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد
دز قول شد و هم‌اکنون در دبیرستان‌های
دز قول به تدریس دروس ادبیات و
زبان فارسی اشتغال دارد.

کلمه واژه ها

شبکه، تداعی، تناسب، واژه، ذهن،
مولانا

«خورم»، «شیرین»، «تلخ»، «مطبوخ»،
«حب»، «خوری»، «حلاوا» و «شکر» شبکه‌ای
از واژگان متناسب را ساخته اند.

۳. شبکه‌ی داستانی

در این گونه شبکه مولانا داستانی را بیان
می‌کند که خود، برگرفته از آیات داستانی قرآن
است.

از دفتر اول:

بی ادب تنها نه خود را داشت بد

بلکه آتش در همه آفاق زد (۷۹)

ماتده از آسمان در می‌رسید

بی صداع و بی فروخت و بی خرید (۸۰)

در میان قوم موسی چند کس

بی ادب گفتند: کو سیر و عدس؟ (۸۱)

«ای نفس آرام گرفته* به سوی پروردگار
خویش برگرد، در آن حال که راضی و پسندیده
باشی*»

مولانا با آوردن واژه‌ی «خطاب» در بیت
۵۶۸ که با واژه‌های شبکه تناسب دارد، کلمه‌ی
«ارجعی» را از این آیات خطابی-که خطاب به
«نفس مطمئنه» است- «تضمین» کرده است.

۲. کلمه‌ی آیه شبکه‌ساز است

در این گونه شبکه‌ی قرآنی، آیه‌ای در ذهن
مولانا تداعی می‌شود که مولانا یا قسمتی از آن
را تضمین و یا مفهوم آن را بیان می‌کند و واژه‌ای
از آن آیه، سازنده‌ی شبکه می‌گردد.

از دفتر اول:

لطف و سالوس جهان، خوش لقمه‌ای است
کم ترش خور، کآن پر آتش لقمه‌ای است
(۱۸۵۵)

آتش پنهان ذوقش آشکار

دود او ظاهر شود پایان کار (۱۸۵۶)

تو مگو آن مدح را من کی خورم؟

از طمع می‌گوید او بی می برم (۱۸۵۷)

لیک ننماید چو شیرین است مدح

بد نماید، زن آن که تلخ افتاد قدح (۱۸۶۲)

همچو مطبوخ است و حب آکان را خوری

تا به دیری، شورش و رنج اندری (۱۸۶۳)

ور خوری حلوا، بود ذوقش دمی

این اثر چون آن نمی‌پاید همی (۱۸۶۴)

چون شکر، پاید همی تأثیر او

بعد حینی دمل آرد، نیش جو (۱۸۶۶)

مصراع دوم بیت ۱۸۵۵ برگرفته از آیه‌ی

زیر است:

«... ما یأکلون فی بطونهم إلا النار...»^۲

«... این گروه جز آتش نمی‌خورند...»^۳

مولانا در مصراع دوم بیت ۱۸۵۵ دو

واژه‌ی «خور» و «لقمه» را-که برگرفته از مفهوم

آیه‌ی مذکور است- بیان کرده است. این دو واژه

که سازنده‌ی شبکه‌اند با واژه‌های «ذوق»،

۱. کلمات شبکه، تداعی کننده‌ی آیه است
در این گونه شبکه، با تکرار یک واژه یا
آوردن واژه‌هایی که با هم تناسب دارند، در ذهن
مولانا، آیه یا آیاتی تداعی می‌شود که به نوعی
به آن‌ها اشاره می‌کند. این اشاره نیز یا به
صورت «تضمین» آیه است یا بیان «مفهوم» آن.
از دفتر اول:

ای که چون تو در زمانه نیست کس

الله الله، خلق را فریاد رس (۵۶۴)

گفت: هان ای سخرگان گفت و گو

وعظ گفتار زبان و گوش جو (۵۶۵)

پنبه اندر گوش حس دون کنید

بند حس از چشم خود بیرون کنید (۵۶۶)

پنبه‌ی آن گوش سر، گوش سر است

تا نگردد این کر، آن باطن کر است (۵۶۷)

بی حس و بی گوش و بی فکر شوید

تا خطاب ارجعی را بشنوید (۵۶۸)

واژه‌های «فریاد»، «گفت و گو»، «وعظ»،

«گفتار»، «زبان»، «گوش» و «گر» در بیت ۵۶۴

تا مصراع اول بیت ۵۶۸ که با هم تناسب دارند،

سازنده‌ی شبکه‌اند. این واژه‌ها، تداعی

کننده‌ی آیات زیر در ذهن مولانا است:

«یا ایَّتِهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِرجعی الی ربِّکِ

راضیةً مرَضیةً*»^۱

منقطع شد نان و خوان آسمان
ماند رنج زرع و بیل و داسمان (۸۲)
باز عیسی چون شفاعت کرد، حق
خوان فرستاد و غنیمت بر طبق (۸۳)
باز گستاخان ادب یگذاشتند
چون گدایان زله‌ها برداشتند (۸۴)
لا به کرده عیسی ایشان را که این
دائم است و کم نگردد از زمین (۸۵)
مولانا در بیت ۷۹ حکمی کلی را بیان
می‌کند و آن این که «بی ادب تنها به خود زیاد
نمی‌رساند بلکه همه‌ی آفاق را می‌سوزاند و
ویران می‌کند». برای توجیه این موضوع کلی
باید شواهدی ذکر کند. واژه‌ی «آفاق» (جمع
أفق به معنی کرانه‌ی آسمان) داستان حضرت
موسی (ع)، قوم بنی اسرائیل و نازل شدن
«مائده» از «آسمان» را در ذهن مولانا تداعی می
کند. این واقعه که برگرفته از آیات داستانی قرآن
است در بیت ۸۰ تا ۸۲ بیان شده است. بیت
۸۰ برگرفته از آیه‌ی زیر است:

«وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ
وَ السَّلْوَى كَلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا
ظَلَمُونَا وَ لَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»^{۱۰}
«و ابر را بر سر شما سایه‌بان ساختیم و
ترنجبین و مرغ بریان را برای شما فرو فرستادیم
که غذاهای پاکیزه که روزیتان کرده‌ایم بخورید؛
و ایشان را به ما ستم نکردند و لکن ستم بر
خویشان می‌کردند.»^{۱۱}

بیت ۸۱ برگرفته از آیه‌ی زیر است:

«وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامِ
وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ
مِنْ بَقْلِهَا وَ فِثَائِهَا وَ قَوْمَهَا وَ عَدْسَهَا وَ بَصْلَهَا...»^{۱۲}
«و نیز (یادآورید) زمانی را که گفتید: ای
موسی، ماهرگز به یک نوع طعام شکیبایی



نتوانیم کرد، پس برای ما پروردگار خویش را
بخوان تا آن‌چه زمین می‌رویانند از قبیل تره‌های
زمین و خیار و گندم و عدس و پیاز آن، برای ما
بیرون آورد...»^{۱۳}

شاهد دیگر داستان حضرت عیسی (ع) و
قوم اوست که در ادبیات ۸۳ تا ۸۵ بیان شده
است. این داستان برگرفته از آیات زیر است:

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا
مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلَادِنَا وَ آخِرِنَا وَ
آيَةً مِنكَ وَارْزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^{۱۴}
«عیسی پسر مریم گفت: اللّهم،
پروردگارا، از آسمان برای ما خوانی فرو فرست
تا که روز نزول مائده، اهل زمان ما را و کسانی
را که از پس زمان ما آیند عیدی باشد و آن مائده
علامتی صادر از تو باشد و ما را از آن خوان
روزی ده و تو بهترین روزی دهندگانی»^{۱۵}

۴. شبکه‌ی تشبیهی
در این شبکه، مولانا در ضمن سخن خود
با بیان واژه‌ای، «همانند» آن در ذهنش تداعی و
با ایجاد رابطه‌ی «همسانی» (تشبیه) میان
واژه‌ها، آیه‌ای به ذهنش متبادر می‌گردد که به
گونه‌ای به آن اشاره می‌کند.

از دفتر اول:
چون نباشد عشق را پروای او
او چو مرغی ماند بی‌پر، وای او (۳۱)
من چگونه هوش دارم پیش و پس
چون نباشد نور یارم پیش و پس (۳۲)
واژه‌ی «پروا» تداعی کننده‌ی «پرواز» (از
نظر لفظی)، «پر» و «مرغ» است. واژه‌های
«مرغ» و «پر» بر اساس رابطه‌ی «همسانی»
تداعی کننده‌ی «عاشق» و «نوریار» است. در این
شبکه، «عاشق»، «مشبه»، «مرغ» «مشبه‌به» و
هم چنین «نوریار» «مشبه» و «پر» «مشبه‌به» آن است.
مولانا در این دو بیت می‌گوید:

«هم چنان که مرغ بی‌پر، قادر به پرواز
نیست، عاشق هم بی‌نور یار نمی‌تواند پیش و
پس خود را ببیند و قادر به رهسپاری نیست.»
این مفهوم که در بیت ۳۲ بیان شده،
برگرفته از آیات زیر است:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى
نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ...»^{۱۶}
«روزی که مردان و زنان مؤمن را ببینی که

نورشان در پیشاپیش و سمت راستشان
می‌رود...»

«... وَ يَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ...»^{۱۷}
«... تا خدا برای شما روشنایی مقرر کند
که به وسیله‌ی آن بروید...»^{۱۸}

ب) شبکه‌های برگرفته از حدیث و روایت

مقصود از شبکه‌های برگرفته از حدیث و
روایت، آن دسته از شبکه‌های تداعی است که
یا تداعی کننده‌ی حدیث و روایت اند و یا
حدیث و روایت، ایجاد کننده‌ی آن شبکه
است.

شبکه‌های برگرفته از حدیث و روایت را
به انواعی می‌توان تقسیم کرد، از آن جمله:

۱. کلمات شبکه، تداعی کننده‌ی حدیث
است.

۲. کلمه‌ی حدیث، شبکه‌ساز است.
۳. تمثیل، تداعی کننده‌ی حدیث است.
۴. کلمه‌ی مستفاد از آیه، تداعی کننده‌ی
حدیث است.

۱. کلمات شبکه، تداعی کننده‌ی حدیث
است

در این گونه شبکه، با تکرار یک واژه و یا
آوردن واژه‌هایی که با هم تناسب دارند، در ذهن
مولانا، حدیث و یا روایتی تداعی می‌شود که
به نوعی به آن اشاره می‌کند. این اشاره نیز یا به
صورت «تضمین» حدیث و روایت است و یا
بیان «مفهوم» آن.

از دفتر دوم:
جامه را بدرید و آهی کردت
سر نهاد اندر بیابان و برفت (۱۷۴۹)
وحی آمد سوی موسی از خدا
بنده‌ی ما را زما کردی جدا (۱۷۵۰)
تو برای وصل کردن آمدی
یا خود از بهر بریدن آمدی؟ (۱۷۵۱)
تا توانی پا منته اندر فراق
أَبْغَضَ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي الْإِطْلَاقَ (۱۷۵۲)
واژه‌های «برفت»، «جدا»، «بریدن» و
«فراق» که با هم تناسب دارند حدیثی را در ذهن
مولانا تداعی کرده که در مصراع دوم بیت
۱۷۵۲ آن را «تضمین» کرده است.

مصرع دوم بیت ۱۷۵۲ برگرفته از حدیث زیر است:
 «أَبْغَضُ الْحَالِلِ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ»
 «ناپسندترین حلال نزد خداوند، طلاق است.»^{۱۵}

۲. کلمه‌ی حدیث، شبکه‌ساز است در این گونه شبکه، حدیث یا روایتی در ذهن مولانا تداعی می‌شود که مولانا یا قسمتی از آن را تضمین و یا مفهوم آن را بیان می‌کند و واژه‌ای از آن حدیث و روایت، سازنده‌ی شبکه می‌گردد.

از دفتر اول:

جمله گفتند: ای حکیم با خیر
 الْحَدْرُ دَعٌ لَيْسَ يَغْنِي عَنْ قَدْرٍ (۹۰۸)
 در حدّ شوریدن شور و شر است
 رو توکل کن، توکل بهتر است (۹۰۹)
 با قضا پنجه مزنی ای تند و تیز
 تا نگردد هم قضا با تو ستیز (۹۱۰)
 مرده باید بود پیش حکم حق
 تا نیاید زخم، از رب الفلق (۹۱۱)

مصرع دوم بیت ۹۰۸ برگرفته از روایت زیر است:

«لَنْ يَنْفَعَ حَدْرٌ مِنْ قَدْرٍ وَلَكِنَّ الدُّعَاءَ يَنْفَعُ مِمَّا تَزَلُ وَمِمَّا لَمْ يَزَلْ فَعَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ عِبَادَ اللَّهِ.»
 «احتیاط و محکم‌کاری در امر مقدر سودمند نیستند، ولی دعا می‌تواند در آن چه (از حوادث مقدر) که فرود آمده و نیامده است سودمند افتد. پس ای بندگان خدا، بر شما باد دعا کردن.»^{۱۶}

مولانا در مصرع دوم بیت ۹۰۸ عبارت «الْحَدْرُ دَعٌ لَيْسَ يَغْنِي عَنْ قَدْرٍ» را - که برگرفته از روایات مذکور است - آورده است. این عبارت که سازنده‌ی شبکه است موجب شده که مولانا سه واژه‌ی «حذر»، «قضا» و «حکم حق» را که با هم تناسب دارند، در ابیات بعد بیان کند و شبکه‌ای از واژه‌های متناسب را بسازد.

۳. تمثیل، تداعی کننده‌ی حدیث است در این گونه شبکه، ابتدا مولانا به بیان تمثیلی می‌پردازد و سپس به عنوان نتیجه‌ی آن تمثیل، به حدیث اشاره می‌کند.
 از دفتر اول:



حدیث اشاره می‌کند.

از دفتر اول:

آب و گل چون از دم عیسی چرید
 بال و پر بگشاد مرغی شد پرید (۸۶۵)
 هست تسیبحت بخار آب و گل
 مرغ جنت شد ز نفع صدق دل (۸۶۶)

بیت ۸۶۵ برگرفته از آیه‌ی زیر است:

«...إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ يَآدُنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَيَكُونُ طَيْرًا بِأَمْرِي...»

«... یاد آر هنگامی را که از گل، صورت پرنده‌ای ساختی و به امر من در آن بدمیدی و آن صورت، پرنده‌ای شد و به پرواز درآمد...»^{۱۷}
 واژه‌ی «طیر» - که در بیت، ترجمه‌ی آن یعنی «مرغ» آمده است - تداعی کننده‌ی حدیثی است که مولانا در بیت ۸۶۶ به آن اشاره کرده است.

بیت ۸۶۶ مستفاد از این حدیث است:

«مَنْ قَالَ لِأَلِ اللَّهِ الْإِلَهَ اللَّهُ خَلَقَ اللَّهُ مِنْ كُلِّ كَلِمَةٍ مِنْهَا طَيْرًا مَنفَرَةً مِنْ ذَهَبٍ وَرِيشُهُ مِنْ مَرْجَانٍ.»
 «هر که ذکر لایله‌ی ال‌الله گوید خداوند از هر کلمه‌ی آن، پرنده‌ای می‌آفریند که منقارش از طلا و پرهایش از مروارید است.»^{۲۰}

ج) شبکه‌های برگرفته از امثال و حکم

مقصود از «شبکه‌های برگرفته از امثال و حکم»، آن دسته از شبکه‌های تداعی است که یا تداعی کننده‌ی مثل است و یا مثل، ایجاد کننده‌ی آن شبکه است.

شبکه‌های برگرفته از امثال و حکم را به انواعی می‌توان تقسیم کرد، از آن جمله:

۱. کلمات شبکه، تداعی کننده‌ی مثل است.

۲. کلمه‌ی مثل شبکه‌ساز است.

۱. کلمات شبکه، تداعی کننده‌ی مثل است

در این گونه شبکه، واژه‌های متناسب که ایجاد کننده‌ی شبکه‌اند، مثلی را در ذهن مولانا تداعی می‌کنند که در ابیات بعد به ذکر آن مثل

ما در این انبار، گندم می‌کنیم
 گندم جمع آمده، گم می‌کنیم (۳۷۷)

می‌نبدیشیم آخر ما به هوش
 کین خلل در گندم است از مکر موش (۳۷۸)
 موش، تا انبار ما حفره زده است

وز فنش انبار ما ویران شده است (۳۷۹)
 اول‌ای جان، دفع شر موش کن

وان گهان در جمع گندم جوش کن (۳۸۰)
 بشنو از اخبار آن صدر صدور

لاصلوة تم الا بالاحضور (۳۸۱)
 مولانا در ابیات ۳۷۷ تا ۳۸۰ تمثیلی را بیان

کرده است که در آن «انبار» کنایه از «سر و ضمیر»، «گندم» نمودار «اعمال و عبادات روزانه» و «موش»، «نفس یا وهم» است. این تمثیل بیان آفات و مخاطراتی است که از درون و باطن متوجه سالک می‌شود.^{۱۷} مولانا در بیت ۳۸۱ با اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) از تمثیل فوق نتیجه می‌گیرد.

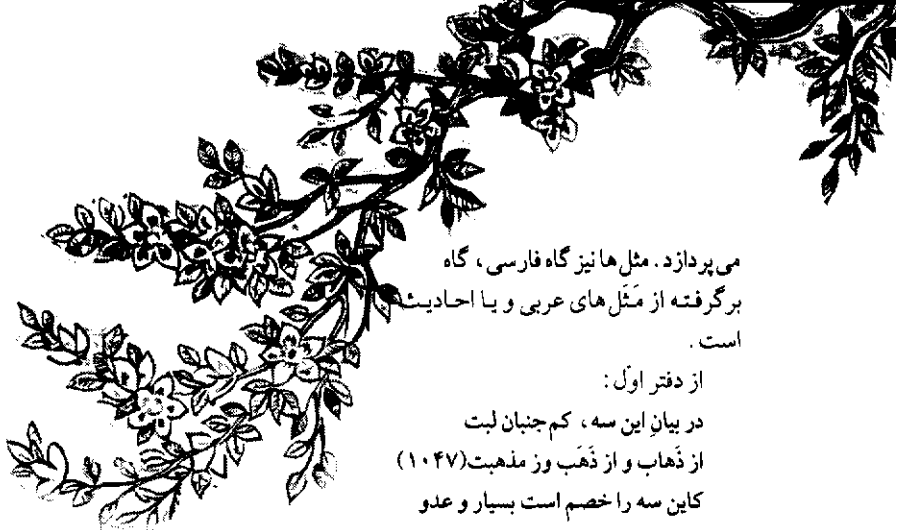
بیت ۳۸۱ اشاره است به عبارت «لاصلوة الا بالاحضور القلب» که مضمون آن مطابق است با حدیث زیر:

«لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى صَلَاةِ لَاحِضِ الرَّجُلِ فِيهَا قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ»^{۱۸}

«خداوند به نمازی که (در آن) قلب انسان با بدنش (هم چون بدنش) حضور نداشته باشد، نمی‌نگرد»

۴. کلمه‌ی مستفاد از آیه، تداعی کننده‌ی حدیث است

در این گونه شبکه، مولانا با بیان یک بیت، به آیه‌ای اشاره می‌کند و یکی از کلمات آن بیت که برگرفته از آیه است تداعی کننده‌ی حدیثی در ذهن اوست که در بیت یا ابیات بعد به آن



می پردازد. مثل هانیز گاه فارسی، گاه برگرفته از مثل های عربی و یا احادیث است.

از دفتر اول:

در بیان این سه، کم جنبان لب
از ذهاب و از ذهب وز مذهب (۱۰۴۷)
کاین سه را خصم است بسیار و عدو
در کمیت ایستد چون داند او (۱۰۴۸)

ور بگوی با یکی دو، الوداع
کل سیر جاور الائنین شاع (۱۰۴۹)
در این شبکه، واژه های «سه»، «یکی»
و «دو» که در ابیات ۱۰۴۷ تا ۱۰۴۹ آمده و با هم
تناسب دارند، سازنده ی شبکه اند. این واژه ها
که با واژه ی «الائنین» (یعنی دو) تناسب دارند،
مثلی را در ذهن مولانا تداعی کرده که در مصراع
دوم بیت ۱۰۴۹ به ذکر آن پرداخته است:

«کل سیر جاور الائنین شاع»
«هر رازی که از بین دو نفر (یا از میان دو
لب) خارج گردد، قطعاً فاش می گردد.»^{۲۱}
این مثل هنگامی بیان می شود که بخوانند
عذری برای فاش شدن سبری بیاورند^{۲۲} و یا
شخص را از گفتن راز، حتی به نزدیک ترین فرد
باز دارند.

این مثل، مصراع اول بیته است منسوب
به امام علی (ع):

«کل سیر جاور الائنین شاع
کل علم لیس فی القراطاس ضاع»^{۲۳}
۲. کلمه ی مثل، شبکه ساز است

در این گونه شبکه، مولانا مثلی را می آورد
که واژه یا واژه هایی از آن، شبکه ساز
است؛ بدین گونه که یا آن واژه ها را در ابیات
بعد تکرار می کند و یا واژه هایی متناسب با آن ها
می آورد و شبکه ای از واژگان را می سازد.

از دفتر اول:

عاشقم بر قهر و بر لطفش به جد
بوالعجب، من عاشق این هر دو
ضد (۱۵۷۰)

والله ار زین خار در بستان شوم
هم جو بلبل، زین سبب نالان شوم (۱۵۷۱)
این عجب بلبل که بگشاید دهان
تا خورد او خار را یا گلستان (۱۵۷۲)
این چه بلبل؟ این نهنگ آتشی است

شبکه های آشپزی

در این گونه شبکه، مولانا، گروهی از
واژه های مربوط به شغل آشپزی را در پی هم
آورده، شبکه ای از واژه های متناسب را
می سازد.

از دفتر اول:

در مروت، ابر موسی به تبه
کامد از وی خوان^{۲۴} و نان بی شبیه (۳۷۳۳)
ابرها گندم دهد کان را به جهد
پخته و شیرین کند مردم جو شهد^{۲۵} (۳۷۳۴)
ابر موسی بر رحمت بر گشاد
پخته و شیرین، بی زحمت بداد (۳۷۳۵)
از برای پخته خواران کرم

رحمتش افراشت در عالم علم... (۳۷۳۶)
تا هم ایشان از خسیسی خاستند
گندنا و تره و خس خواستند (۳۷۳۸)
امت احمد که هستید از کرام
تا قیامت هست باقی آن طعام (۳۷۳۹)
چون آیت عندری فاش شد
یطعم^{۲۶} و یسقی^{۲۸} کنایت ز آش شد (۳۷۴۰)
هیچ، بی تاویل این را در پذیر
تا درآید در گلو چون شهد و شیر (۳۷۴۱)
در این نمونه، واژه های «خوان»، «نان»،
«گندم»، «پخته»، «شیرین»، «شهد»،
«گندنا»، «تره»، «طعام»، «آش» و «شیر» که با
هم تناسب دارند، سازنده ی شبکه اند. دو
واژه ی «یطعم» و «یسقی» مأخوذ از حدیث نبوی
نیز به دلیل تناسب با واژه های فوق، در این
شبکه قرار گرفته است.

هـ) شبکه های هم خانوادگی

در این گونه شبکه، گروهی از واژه ها که اعضا
و اجزای یک مجموعه، پاره های یک پیکر و افراد
یک خانواده اند، در پی هم می آیند و شبکه ای از
واژه های متناسب را تشکیل می دهند.

از دفتر اول:

بر دل تاریک پر زنگارشان؟
بر زیان زهر هم چون مارشان؟ (۲۵۶۳)
بر دم و دندان سگسارانه شان؟
بر دهان و چشم کژدم خانه شان؟... (۲۵۶۴)
دستشان کژ، پایشان کژ، چشم، کژ
مهرشان کژ، صلحشان کژ، خشم، کژ (۲۵۶۶)

جمله ناخوش هاز عشق، اورا خوشی است
(۱۵۷۳)

عاشق کل است و خود، کل است او
عاشق خویش است و عشق خویش جو
(۱۵۴۷)

بیت ۱۵۷۰ مثل است^{۲۷} و در مواقعی به کار
می رود که آدمی، چیزی را با تمام بدی ها و
خوبی هایش، زشتی ها و زیبایی هایش خواهان
باشد.

در این مثل واژه های «عاشق»، «قهر»
و «لطف» که سازنده ی شبکه اند بر اساس
رابطه ی «هم سانی» واژه هایی را در ذهن مولانا
تداعی کرده که در ابیات ۱۵۷۱ تا ۱۵۷۴ به ذکر
آن ها پرداخته است. «عاشق» تداعی کننده ی
«بلبل»، «قهر» تداعی کننده ی «خار» و «لطف»
تداعی کننده ی «بستان» است. به عبارت دیگر،
«عاشق»، «قهر» و «لطف» را مشبه قرار داده و
برای هر کدام، مشبه به متناسبی یعنی «بلبل»،
«خار» و «بستان» را آورده است. واژه ی
«عشق» (ابیات ۱۵۷۳ و ۱۵۷۴) با «عاشق»،
«ناخوش» (بیت ۱۵۷۳) با «قهر» و «خوشی»
(بیت ۱۵۷۳) با «لطف» نیز تناسب دارد.

د) شبکه های شغلی

مقصود از «شبکه های شغلی»، آن دسته از
شبکه های تداعی است که واژه های سازنده ی
آن ها، ابزار، اصطلاحات و واژه هایی است که
به نوعی با یک شغل مرتبط است. این شبکه را
به انواعی می توان تقسیم کرد، از آن جمله:

۱. شبکه های پزشکی
۲. شبکه های نجومی
۳. شبکه های باغبانی
۴. شبکه های خیاطی
۵. شبکه های آشپزی

از بی تقلید، وز رایات نقل
 پانهاد به جمال پیر عقل (۲۵۶۷)
 پیرنی، جمله گشتند پیرخر
 از ریای چشم و گوش همدگر (۲۵۶۸)
 در این نمونه، واژه‌های «دل»، «زبان»
 «دندان»، «دهان»، «چشم»، «گوش»، «پا» و
 «دست» که اعضایی از مجموعه‌ی «بدن»
 هستند، سازنده‌ی این شبکه‌اند.

و) شبکه‌های لفظی

مقصود از «شبکه‌های لفظی» آن است که
 واژه‌های تشکیل دهنده‌ی آن، صرفاً از جهت
 «لفظ» با هم تناسب دارند و آمدن یکی، دیگری
 را از جهت تناسب «لفظی» (نه معنایی) در ذهن
 تداعی می‌کند.

از دفتر ششم:

گر نی‌ام لایق، چه باشد گر دمی
 ناسزایی را پرسی در غمی؟ (۵۶۴)
 مر عدم را خود چه استحقاق بود
 که بر او لطفت چنین درها گشود؟ (۵۶۵)

واژه‌ی «دم» از نظر لفظی، تداعی کننده‌ی
 «عدم» در ذهن مولانا است.

ز) شبکه‌های داستانی

مقصود از «شبکه‌های داستانی» آن دسته از
 شبکه‌های تداعی است که از پی هم آمدن
 عناصر اصلی داستان‌ها ایجاد می‌شود. توضیح
 آن‌که، مولانا در طول سخن، واژه‌ای را
 می‌آورد که یکی از عناصر اصلی داستانی
 تاریخی است و در پی آن، دیگر عناصر آن
 داستان را در ابیات بعد ذکر می‌کند.

از دفتر ششم:

هم چو مجنون، بو کنم من خاک را
 خاک لیلی را بیام بی خطا (۲۸۲۹)
 بو کنم، دامن زهر پیراهنی
 گر بود یوسف؟ و گر آهنی (۲۸۳۰)

هم چو احمد که برد بوی از یمن
 ز آن نصیبی یافت این بینی من (۲۸۳۱)

در این نمونه، واژه‌ی «بو» یادآور سه
 داستان در ذهن مولانا است که برخی از عناصر
 اصلی آن‌ها در این ابیات آورده است. در بیت

۲۸۲۹ «بو»، «مجنون»، «خاک» و «لیلی»
 عناصر اصلی یکی از سرگذشت‌های «لیلی» و
 «مجنون» است. روایت کرده‌اند که وقتی لیلی
 درگذشت، مجنون نزد قبیله‌ی او رفت و خاک
 جایش را جو یا شد. آنان چیزی بدو نگفتند.
 آن‌گاه مجنون به گورستان رفت و خاک قبرها
 را یک‌یک بیکان بوید تا گور لیلی را یافت...

در بیت ۲۸۳۰، «بو»، «پیراهن» و
 «یوسف»، عناصر اصلی داستان «بینا شدن
 یعقوب (ع) با بوی پیراهن یوسف (ع)» است.
 در بیت ۲۸۳۱، «بو»، «احمد (ص)»،

«یمن» عناصر اصلی داستان «استشمام بوی
 حضرت رحمان توسط پیامبر اکرم (ص)» از
 جانب یمن، اقامتگاه اویس قرنی» است.

نتایج به دست آمده از این مقاله، عبارت‌اند از:

۱. مولانا شاعری است با اطلاعات وسیع
 از تمام علوم و پیشه‌های روزگار خود.
۲. مولانا از تمام امکانات لفظی و معنایی
 واژه‌ها به خوبی استفاده می‌کند.
۳. آن‌چه موجب بسط مطالب در مثنوی
 می‌شود، «تداعی» است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید، به ترجمه و تفسیر مختصر حاج رضا سراج.	۱۳. سجادی، س. ج.، ۱۳۷۰، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، کتاب‌خانه‌ی طهوری.	۲۳. نوری کوشانی، ن.، ۱۳۷۰، آیات مثنوی معنوی، آذر.	۲۴. وحیدیان کامیار، ت.، ۱۳۷۹، بدیع، دوستان.	۲۵. هادی، ر.، ۱۳۷۷، آرایه‌های ادبی (سال سوم متوسطه)، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.	۲۶. همایی، ج.، ۱۳۷۱، فنون بلاغت و صناعات ادبی، هما.	۲۷. زیر نویس، ۱. قرآن مجید، سوره‌ی فجر، آیات ۲۸-۲۷. ۲. مطبوع: پخته شده؛ در اصطلاح، دارویی است که بپزند و شیری آن را به بیمار بدهند. ۳. حب: دانه؛ در اصطلاح پزشکی دارویی است که به شکل دانه‌ی نخورد درست کنند. ۴. قرآن مجید، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۷۴. ۵. شرح جامع مثنوی معنوی، کریم زمانی، تهران، انتشارات اطلاعات، چ نهم، ۱۳۸۰، دفتر اول، ص ۵۷۹. ۶. قرآن مجید، سوره‌ی بقره، آیه‌ی	۱۴. شرح جامع مثنوی معنوی، همان، دفتر اول، ص ۸۳. ۱۵. قرآن مجید، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶۱. ۱۶. شرح جامع مثنوی معنوی، همان، دفتر اول، ص ۸۴. ۱۷. قرآن مجید، سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۱۴. ۱۸. آیات مثنوی معنوی، نظام‌الدین نوری کوشانی، تهران، انتشارات آذر، چ اول، ۱۳۷۰، ص ۲۰. ۱۹. قرآن مجید، سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۲. ۲۰. قرآن مجید، سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۸. ۲۱. مثنوی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی-رومی، به تصحیح و تحلیل و توضیح دکتر محمداسلامی، تهران، انتشارات زوار، چ دوم، ۱۳۶۹، دفتر اول، ص ۱۹۸. ۲۲. شرح جامع مثنوی معنوی، همان، چ هفتم، ۱۳۷۹، دفتر دوم، ص ۴۴۲. ۲۳. شرح جامع مثنوی معنوی، همان، دفتر اول، ص ۱۶.	۱۶. همان، دفتر اول، ص ۳۱۶. ۱۷. شرح مثنوی شریف، بدیع الزمان فروزان فر، تهران، زوار، چ پنجم، ج ۱، ص ۱۷۴. ۱۸. احادیث مثنوی، بدیع الزمان فروزان فر، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۴۷، ص ۵. ۱۹. قرآن مجید، سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۱۰. ۲۰. شرح جامع مثنوی معنوی، همان، دفتر اول، ص ۳۰۱. ۲۱. شرح جامع مثنوی معنوی، همان، دفتر اول، ص ۳۵۸. ۲۲. ارسال المثل در مثنوی، علی رضا منصور مؤید، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۵، ص ۲۶. ۲۳. امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ششم، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۲۲۶. ۲۴. ارسال المثل در مثنوی، همان، ص ۲۶. ۲۵. خوان: سفره. ۲۶. شهید: عمل، انگبین. ۲۷. یطیم: غذا می‌دهد. ۲۸. یسقی: آب می‌دهد.	۱. قرآن مجید، به ترجمه و تفسیر مختصر حاج رضا سراج. ۲. بدیعی روی، ج ۱، به تصحیح و توضیح دکتر محمد اسلامی، ۱۳۶۹، مثنوی، زوار، دفتر اول. ۳. جمع‌نوی، م. ت.، ۱۳۶۱، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، اسلامی، ج اول. ۴. دهخدا، ع. ا.، ۱۳۶۳، امثال و حکم، امیرکبیر. ۵. راستگو، م. س.، ۱۳۷۶، هنر سخن‌آزایی، فن بدیع، مرسل. ۶. زرین کوب، ع.، ۱۳۷۰، پله پله تا ملاقات خدا، علمی. ۷. زمانی، ک.، ۱۳۸۰، شرح جامع مثنوی معنوی، اطلاعات، دفتر اول. ۸. _____، ۱۳۷۹. ۹. _____، دفتر دوم، ۱۳۷۴. ۱۰. _____، دفتر سوم، ۱۳۷۵. _____، دفتر چهارم، ۱۳۷۶. ۱۱. _____، دفتر پنجم، ۱۳۷۹. ۱۲. _____، ۱۳۷۹.
---	---	--	--	---	--	---	---	--	---